خبر

پیش‌بینی «آبان» بسیار خشک و کم‌بارش برای کشور

● **ایسنا:** رئیس مرکز ملی خشک‌سالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی ضمن اشاره به اینکه میانگین بارش‌ها در کل کشور در مهرماه سال جاری نسبت به میانگین بلندمدت کمتر بود، از مواجهه با پاییزی خشک و کم‌بارش، به‌ویژه در آبان خبر داد. احد وظیفه با اشاره به اینکه از ابتدای مهر تاکنون به‌جز در نوار شمالی و منتهی‌الیه جنوب شرق کشور تقریبا در سایر نقاط کشور بارندگی نداشتیم، اظهارکرد: از ابتدای مهر تاکنون به‌طور متوسط ۲.۴ میلی‌متر بارندگی در کشور رخ داد که این میزان در دوره بلندمدت ۵.۳ میلیمتر است؛ بنابراین میانگین بارندگی‌ها در کل کشور کاهش درخور ملاحظه‌ای نسبت به بلندمدت داشته و تقریبا در غالب مناطق کشور از جنوب البرز تا مناطق مرکزی و شرق کشور، به‌جز خراسان شمالی و نوار شمالی کشور، بارندگی رخ نداده یا بسیار ناچیز بوده است. وظیفه درباره وضعیت بارش‌ها در آبان و آذر گفت: الگوهای پیش‌بینی حاکی از این است که آبان بسیار خشک و کم‌بارشی پیش‌رو داریم و این وضعیت حداقل تا آذر نیز تداوم خواهد یافت. بارندگی‌ها در آبان به‌شدت کمتر از نرمال خواهد بود و وضعیت بارندگی در آذر نیز امیدوارکننده به نظر نمی‌رسد؛ هرچند امیدواریم با عبور از آذر و آغاز فصل زمستان شرایط متحول شود و بارش‌ها به حد نرمال برسد. رئیس مرکز ملی خشک‌سالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی ادامه داد: براساس پیش‌بینی‌ها به نظر می‌رسد امسال زمستان نرمالی را طی کنیم؛ البته این زمستان نرمال، زمستان پربارشی نخواهد بود و بیشتر به کم‌بارشی گرایش دارد.

نیمی از سالمندان کشور از «چاقی» رنج می‌برند

● **ایسنا:** مدیر بهزیستی شهر تهران ضمن تشریح مشکلات جسمی و حرکتی، توجه به آسیب‌های اضافه‌وزن و چاقی در دوران سالمندی را مهم دانست و گفت: ۵۰ تا ۶۰ درصد سالمندان کشور از چاقی و اضافه‌وزن رنج می‌برند و همین مسئله، کیفیت زندگی آنها را تحت‌الشعاع قرار داده است. سعید آرام با بیان اینکه دوران سالمندی همچون دوره‌های دیگر زندگی چالش‌هایی را برای فرد ایجاد می‌کند که جامعه سالم باید تلاش کند با رفع این چالش‌ها زندگی بهتری را برای شهروندان خود به ارمغان بیاورد، اظهار کرد: سازمان بهداشت جهانی طبقه‌بندی جدیدی درباره مراحل عمر انسان ارائه کرده است، اما طبقه‌بندی سن در کشور ایران به این ترتیب است که تا ۱۸سالگی را پایین‌تر از سن قانونی و نوجوانی، ۱۸ تا ۳۵ را جوانی، ۳۶ تا ۵۹ را میان‌سالی و ۶۰ سال به بالا را سالمندی می‌داند.

ادامه از صفحه ۸

کنشگری فعال، ولی مصالحه‌جویانه

اگر درست فهمیده باشم، الگوی مدنظر شما درباره ایران، پذیرش استقلال نسبی گروه‌های اجتماعی از حکومت و از این طریق کاستن بار مسئولیت حکومت در قبال جامعه و در برابر، برخورداری از آزادی عمل بیشتر برای گروه‌های اجتماعی است. درباره موانع اساسی جامعه چطور؟ مانند برجام، تنش بازدارنده در سیاست خارجی یا حتی مشکل انرژی و کم‌آبی؟

امیدوارم اشتباه برداشت نشود. منظور بنده اصلا این نیست که نظام مطلوب آن است که در آن دولت و گروه‌های اجتماعی دنیایی مستقل از هم داشته باشند. برعکس، عالی‌ترین نوع مدیریت اجتماعی، تجربه‌شده در نظام‌های دموکراتیکی است که در آن حکومت، تمام و کمال، بازتاب‌دهنده اراده شهروندان و همه گروه‌های اجتماعی در آن باشد؛ اما در شرایطی که چنین ساختاری در دسترس نیست و بین گروه‌های اجتماعی حامی نظام مستقر و دیگر گروه‌های اجتماعی شکاف حاصل شده، برای خودداری از درگیری و تعارضات توان‌فرسا، توانمندی و استقلال عمل نسبی گروه‌های اجتماعی می‌تواند کم‌ضررترین راهکار جایگزین باشد. درباره چالش‌های مشترکی که جامعه با آن درگیر است، البته پذیرش و تن‌دادن به اصل «مذاکره» و الزامات آن مؤثرترین راهکار متمدنانه حل اختلاف و دوری از تنش است. به‌عنوان‌مثال، یکی از مهم‌ترین پروژه‌هایی که اولویت اصلی «مذاکره» فراگیر در ایران دانسته می‌شود، تعیین استراتژی «توسعه اقتصادی» است؛ زیرا به طور مستقیم بر معیشت و رفاه تک‌تک شهروندان تاثیرگذار است. دومین اولویت که به طور مستقیم سرنوشت اولویت اول را نیز تعیین می‌کند، سیاست‌های امنیتی کشور (عمدتا برنامه هسته‌ای و منطقه‌ای و تا حدودی برنامه موشکی) در مقابله با واکنش‌های جهانی است. این دو مورد یا موارد مهم دیگر مانند فساد اداری، مشکلات زیست‌محیطی، تأمین انرژی، کم‌آبی یا مواردی از این دست که همه جامعه را درگیر خود کرده‌اند، در زمره موارد فراگیر، کلیدی و ملی قرار می‌گیرند؛ اما در سطوح پایین‌تر، انبوه موارد و مشکلات دیگری وجود دارند که اولویت و معضل خاص صنف‌ها، گروه‌های اجتماعی و اقلیت‌های قومی دانسته می‌شوند. مهم‌ترین عامل لاینحل‌ماندن بسیاری از کشمکش‌هایی که در این حوزه‌ها وجود دارد، به‌کارنگرفتن صحیح «مذاکره» و باورداشتن به این راهکار و پایبندبودن به الزامات آن در حل‌وفصل اختلافات و درگیری‌هاست.

گزارشی درباره زن‌کشی در استان کردستان

قتل با اسم رمز «ناموس»

الهه محمدی: ئالای ۲۳ساله و روژین ۱۹ساله نفس‌گرفته در سقز کردستان، هم‌سرنوشت نسرین، گلاله، آزاده و فائزه نشدند؛ در مواجهه با مرگ و جان به‌دربرده از آن. حالا یکی فرار کرده از خانه و آن که مانده یا فکر خودکشی است یا ترک خانه. آن روز که ئالا ترک دیار مادری کرد، معلوم نبود دوباره به چشم ببیند خانه را. از همان موقع که برادرش چاقوبه‌دست گفته بود، می‌خواهد ئالا را بکشد. اما روژین، آن روز که برادرش آن‌قدر او را کتک زد که نفس جوانش از قفسه سینه به تنگی برمی‌آمد، می‌دانست باید آنچه را بکند که آنها می‌گویند؛ «که اگر نمی‌کردم، می‌شدم مثل رومینا. آنها مرا می‌کشتند». برادران روژین پناه‌برده به یک خانه امن در شهر دیگر کردستان، بارها او را تهدید به مرگ کردند؛ خواهرش به او گفت فرار کن و او فرار کرد؛ «اگر خودم را نکشتند، روحم را کشتند». و مادر و مادربزرگ روژین به او گفته بودند آبرویشان را برده؛ «من هیچ کاری نکرده بودم. به من می‌گفتند تو با پسر رابطه داشتی، گفتند نمی‌گذاریم دیگر تحصیل کنی و به دانشگاه بروی. من فقط گریه می‌کردم». این قصه پرآب چشم بسیاری از زنان کردستان است. زنان قدعلم‌کرده مقابل زور، زنان کشته‌شده مغفول، زنان مانده مهجور. زنانی که آمار دقیقی از کشته‌شدنشان به دست مردان خانواده در دست نیست، اما «بهار زنگی‌بند»، عضو کمپین ژیوانو، به «شرق» می‌گوید در استان کردستان در سال ۹۹، ۱۵ زن به انگیزه‌های ناموسی یا خشونت خانگی علاوه بر فائزه ملکی‌نیا، دختر ۱۳ساله‌ای که یک ماه پیش در مریوان سوزانده شده است، کشته شده‌اند. «عادل کریمی»، مشاور و کارشناس اورژانس اجتماعی سقز نیز به «شرق» می‌گوید: کل استان کردستان یک مرکز نگهداری طولانی‌مدت و اورژانس اجتماعی در همه شهرها مثل سقز، بیجار و... یک اتاق کوچک دارد که تا چند روز فرد را در آن نگه می‌دارند.

ئالا؛ از تهدید تا فرار

ئالا ۱۶ساله بود که با مردی ۱۵ سال بزرگ‌تر از خودش وارد رابطه دوستی شد؛ مردی که بعدا معلوم شد همسر و فرزند دارد. او در گفت‌وگو با «شرق» از ماجرای این دوستی می‌گوید که بلایی شد بر جانش؛ «به من محبت می‌کرد و خیلی به او وابسته شده بودم. بعد از مدتی فهمیدم او متأهل است و این موضوع خیلی اذیتم کرد و در نهایت از او جدا شدم. بعد دوباره سروکله‌اش پیدا شد و گفت دارم طلاق می‌گیرم. نمی‌دانم چطور شد که کم‌کم دوباره رابطه ما شروع شد. کار طلاقش تمام شده بود. درنهایت گفت می‌خواهد به خواستگاری‌ام بیاید، خانواده او چندین دفعه با خانواده‌ام تماس گرفتند و گفتند می‌خواهند به خواستگاری بیایند، اما پدرم به‌شدت مخالف بود». مدتی بعد برادر روژین عکس‌های مشترک روژین و آن مرد را در گوشی‌اش می‌بیند و همین می‌شود سرآغاز تهدید؛ «چند عکس مشترک با آن مرد داشتم که در گوشی‌ام مانده بود. برادرم گوشی را گشته و این عکس‌ها را دیده بود و به‌شدت من را اذیت و تهدید می‌کرد. شش ماه تمام نگذاشتند من از خانه بیرون بروم. از آن زمان مدتی گذشت تا اینکه تماس‌گرفتن‌ها به گوشی برادرها و پدرم شروع شد که دختر شما دختر بدی است و کارهایی کرده و آبروی خانواده شما در خطر است. من به برادرم می‌گفتم از این شماره شکایت کنید، اما گیرهای آنها روز به روز بیشتر می‌شد. حتی یک‌بار از خانه فرار کردم، اما به خاطر حال مادرم دوباره برگشتم. از آن زمان خانه برای من جهنم شده بود. تا اینکه یک روز آن مرد، عکس‌های خصوصی من با خودش را برای برادرم فرستاد. آن روز خانه نبودم، خواهرم به من زنگ زد و گفت خانه نیا! گفت برادرم آمده و یک چاقو دستش گرفته و می‌گوید می‌خواهد تو را بکشد. من از آن روز آواره شدم. دامادمان آمد و من را به بانه برد و شب در مسافرخانه خوابیدم. صبح به اورژانس اجتماعی رفتم، آنها می‌خواستند واقعیت را به مادر و پدرم بگویند. گفتم من از دست آنها فرار کرده‌ام، آنها می‌خواهند من را بکشند، من به شما پناه آورده‌ام، ولی آنها می‌گفتند ما باید واقعیت را به خانواده شما بگوییم و این تنها راه‌حل آنها بود. چون من با تعهد خودم به آنجا رفته بودم، باید پدرم برگه‌ای می‌آورد تا بتوانم بیرون بیایم. بعد از چند روز من را به بهزیستی یک شهر دیگر انتقال دادند». ئالا به خاطر اصرارهای پدر و مادرش باز هم به خانه برمی‌گردد؛ «زمانی که بیرون می‌رفتم نگاه سنگین همسایه‌ها را حس می‌کردم. در خانه، کوچه و محله خودم معذب بودم. نتوانستم تحمل کنم و بعد از یک هفته به بهزیستی برگشتم و دیگر به خانه نرفتم. خانواده‌ام به من زنگ می‌زنند که برگرد و با آن مرد ازدواج کن، اگر ازدواج نکنی بدبخت می‌شوی و آبرویت رفته است».

روژین؛ ساکت، ترسیده از مرگ

روژین اما نتوانست از خانه برود، ماند و حالا که تازه ۱۹ سالش شده، به «شرق» از خشونتی می‌گوید که ازسوی برادر و خانواده‌اش بر او اعمال شده است؛ «من به مدت سه هفته با پسری حرف می‌زدم. رابطه ما کاملا مثل رابطه دو دوست بود. یک شب نشسته بودم و اصلا حواسم نبود که برادرم پشت‌سرم است، یکدفعه آمد و گوشی‌ام را از دستم گرفت و آن را به سرم زد. کلی آن شب کتک خوردم و نفسم بالا نمی‌آمد. من هیچ کاری نکرده بودم و تا صبح گریه کردم. مادر و مادربزرگم می‌گفتند تو آبروی خانواده ما را بردی. به من گفتند نمی‌گذارند تحصیل کنم و به دانشگاه بروم. بعد از آن معلم‌هایم با آنها حرف زدند و راضی‌شان کردند که درس بخوانم. الان هم گوشیم را مدام چک می‌کنند». او از ترس می‌گوید؛ ترسی مدام که هنوز او را رها نکرده؛ «می‌دانم اگر روزی با پسری وارد رابطه شوم، من را می‌کشند. برادرم یک روز به معلمم گفت کار روژین در آن حد نبوده وگرنه الان اینجا نشسته بود؛ یعنی منظورش این بود که یکی مثل رومینا می‌شدم. به نظر من ۸۰ درصد دختران اینجا همه این حس ترس را دارند. مثلا پدر یکی از دوستانم فهمیده بود که با پسری حرف می‌زند. او را زده و دماغش را شکسته بود. تنها جایی که می‌تواند برود جلوی در خانه‌شان است آن هم با مادرش. یا یک روز پسری جلوی در خانه ما آمده و به خواهرم متلک گفته بود. عمویم این را شنید و درنهایت خواهرم را کلی کتک زد. چون معتقد بود تقصیر خواهرم است درحالی‌که خواهرم اصلا آن پسر را نمی‌شناخت».

آمار دقیق نداریم

قتل یک زن به دست برادر و پسرعمویش در سردشت، کشته‌شدن یک زن توسط برادرانش در سنندج، قتل یک زن اهل یکی از روستاهای شهرستان دهگلان به دست برادرش، قتل نوعروسی سقزی به دست همسرش، سوزانده‌شدن زنی در روستای کورکوره به دست پدرش؛ اینها تنها بخشی از قتل‌های به بهانه ناموس در استان کردستان است. قتل‌هایی که شاید بیشتر از گذشته رسانه‌ای می‌شوند اما از تعداد آنها کم نشده است. آمار دقیقی از قتل‌های به‌بهانه ناموس در ایران وجود ندارد اما در اردیبهشت ۱۳۹۳ «هادی مصطفایی»، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران اعلام کرد که ۱۸.۸ درصد از قتل‌ها با انگیزه‌های ناموس بوده است. آذر ۱۳۹۸ خبرگزاری ایسنا در گزارشی به استناد تحقیقات دانشگاهی نوشت که «بین ۳۷۵ تا ۴۵۰ مورد قتل ناموسی سالانه» در ایران رخ می‌دهد و «قتل‌های ناموسی» حدود ۲۰ درصد از کل قتل‌ها و ۵۰ درصد از قتل‌های خانوادگی در ایران را تشکیل می‌دهد. این نوع قتل در استان‌هایی با بافت فرهنگی قبیله و عشیره‌ای بالاتر از دیگر نقاط کشور است. آن‌طورکه «پروین بختیاری‌نژاد» در کتاب «فاجعه خاموش» آورده، در مواردی مثل سرپیچی‌کردن از ازدواج‌های اجباری، اصرار برای اینکه زنی بخواهد همسر آینده‌اش را خودش انتخاب کند، برقراری روابط عاشقانه غیرمتعارف، خیانت به همسر، زنا، فرار از خانه و ... که رفتارهای ضدناموسی، بی‌عفتی، بدنامی و فضاحت تلقی می‌شوند، رخ می‌دهند و گاهی اوقات، انتشار یک شایعه بی‌اساس می‌تواند باعث بروز این نوع قتل شود. زن‌کشی به‌بهانه ناموسی در کردستان در سال گذشته و امسال در سرخط خبرهای این قتل‌ها بوده؛ گلاله شیخی، فائزه ملکی، ماه سرگل حبیبی از جدیدترین قربانیان زن‌کشی‌ها به‌بهانه دفاع از ناموس بوده‌اند. آن‌طورکه عبدالرحیم تاج‌الدین، مشاور معاونت رفاه اجتماعی، بازرس عملکرد و مدیرکل سابق دفتر امور حمایتی و توانمندسازی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به «شرق» می‌گوید، هیچ مطالعه میدانی عمیقی درباره قتل‌های ناموسی انجام نشده است؛ «آمار رسمی باید ازسوی پزشکی قانونی اعلام شود. آمارهایی هم که تأیید می‌شود نشان می‌دهد این نوع قتل‌ها در ایران از نرم جهانی خیلی کمتر است. شاید عدد وقوع این قتل‌ها در استان کردستان در یک سال مثلا بیشتر بوده باشد اما این‌طوری نیست که در این استان شایع باشد. استان‌های کردستان، کرمانشاه، خوزستان، ایلام، آذربایجان شرقی، اردبیل، سیستان‌وبلوچستان و فارس بیشترین تعداد قتل‌های به بهانه ناموس را دارند». او ادامه می‌دهد: «به من در یک سال مأموریت دادند که به شهر راور کرمان بروم. در آن سال تعداد خودکشی‌های زنان در این شهر به عدد ۲۵ رسیده بود که عدد زیادی بود. یا مثلا یک‌بار در شهر بهار در ایلام، تعداد خودکشی که بیشترشان هم زنان بودند، زیاد شده بود اما الان دیگر این‌طوری نیست. منظورم این است که شاید در مقطعی قتل‌های ناموسی در استانی بیشتر شود اما این‌گونه نیست که نرم هرساله باشد. مطالبی هم که وجود دارد مطالب پایان‌نامه‌ای و دانشجویی است یا سازمان‌های مردم‌نهاد به این موضوع ورود می‌کنند و آمار و ارقام را ارائه می‌دهند. اما به‌صورت گسترده و کشوری ما چنین تحقیقاتی نداریم». آن‌طورکه نتایج یک پژوهش در سال ۱۳۹۷ با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی نگرش به قتل‌های ناموسی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهر مریوان» نشان می‌دهد، یک‌پنجم از پاسخ‌گویان، نگرشی مثبت به قتل‌های ناموسی داشته‌اند (۲۷.۶ درصد مردان و ۵.۳ درصد زنان)، درحالی‌که نگرش ۳۸/۲ درصد (۲۸.۱ درصد مردان و ۵۵.۶ درصد زنان) منفی بوده است.

> **«عادل کریمی»، مشاور و کارشناس اورژانس اجتماعی سقز نیز به «شرق» می‌گوید: کل استان کردستان یک مرکز نگهداری طولانی‌مدت و اورژانس اجتماعی در همه شهرها مثل سقز، بیجار و... یک اتاق کوچک دارد که تا چند روز فرد را در آن نگه می‌دارند**

دختر ۱۳ساله‌ای که یک ماه پیش در مریوان سوزانده شد

بعد از قتل فائزه ملکی در هفته گذشته، گروهی از فعالان حوزه زنان در سنندج که از یک سال پیش کمپینی به نام ژیوانو (زایش/ تولدی دیگر) را راه‌اندازی کرده‌اند، برای پیگیری چگونگی مرگ او اول به بیمارستان کوثر این شهر رفتند و بعد از پرس‌وجو توانستند محل زندگی فائزه را پیدا و با خانواده‌اش دیدار کنند. خانواده‌ای که می‌گفتند فائزه خودش، خودش را سوزانده است. «بهار زنگی‌بند»، عضو کمپین ژیوانو، در گفت‌وگو با «شرق» گفت زن‌کشی‌ها معمولا لاپوشانی می‌شوند؛ اما طبق آماری که به دست او و دیگر اعضای کمپین ژیوانو رسیده، در سال ۱۳۹۹، ۱۵ مورد زن‌کشی به‌دلیل انگیزه‌های ناموسی و خشونت خانگی در استان کردستان صورت گرفته است. او از سوزانده‌شدن دختر ۱۳ساله‌ای در ماه گذشته در مریوان می‌گوید که رسانه‌ای نشده است؛ «ما برای بررسی موضوع فائزه ملکی‌نیا به پزشک قانونی مراجعه کردیم، در آنجا به ما گفتند دختر ۱۳ساله‌ای حدودا یک ماه پیش در مریوان به آتش کشیده شده است. او را به سنندج آوردند و بعد فوت کرد. مرگ این دختر حتی رسانه‌ای هم نشد. بسیاری از موارد دیگر هم مثل مرگ همین دختر رسانه‌ای نمی‌شود و فراموش می‌شوند. خانواده‌ها هم معمولا به آزادی قاتل رضایت می‌دهند؛ به‌طوری‌که پدر یا برادران زن مقتول، دو الی شش ماه در زندان می‌مانند و بعد آزاد می‌شوند». او می‌گوید منطقه کردستان ناهمگونی فرهنگی دارد و این دلیل مهم زن‌کشی‌هاست؛ «در کنار آزادی‌ها و فعالیت‌های اجتماعی‌ای که زنان همراه مردان دارند؛ اما باز هم بحث ناموس بر کردستان سایه انداخته است. بعضی مردان مثل ملک‌شان به زنان نگاه می‌کنند و با گرفتن جانشان از آنها تقاص می‌گیرند. فکر می‌کنند اگر جلوی زنان کوتاه بیایند کوچک می‌شوند. حتی به کشتن زنان افتخار هم می‌کنند. ما موردی را در روستای دورافتاده کردستان داشته‌ایم که دخترشان را کشته و به خاک سپردند و بعد گفتند که او خودکشی کرده است. درحالی‌که طبق تحقیقات ما، دست‌وپای دختر شکسته و بعد کشته شده و به خاک سپرده شده است. بعد از نبش قبر مشخص شد که قتل اتفاق افتاده است. با موارد زیاد این‌چنینی مواجهیم. مواردی که بر آنها سرپوش گذاشته می‌شود و اصلا رسانه‌ای نمی‌شود».

یک استان، یک مرکز نگهداری برای زنان خشونت‌دیده

عادل کریمی، مشاور و کارشناس اورژانس اجتماعی سقز که مستقیم با پرونده زنانی سروکار دارد که به قتل رسیده یا ازسوی خانواده‌شان تهدید به مرگ می‌شوند، به «شرق» از بعضی از این موارد می‌گوید «دختری بود که با پسری رابطه داشت و زمانی که خانواده این را می‌فهمند، به پسر می‌گویند اگر یکدیگر را دوست دارید، عروسی کنید. غافل از اینکه قبل از اینکه خانواده دختر بفهمند، میانه آنها به هم خورده بود. پسر هم از روی لجش صحبت‌هایی را که میانشان رد و بدل شده بود، برای برادر دختر می‌فرستد و برادر هم دختر را تهدید به قتل می‌کند. ما جلسات مستمری را با خانواده او داشتیم. از دادگستری حکم نگهداری دختر را گرفتیم و تا مدتی که مداخله ما انجام شد، آن دختر پیش ما ماند. بعد از مدتی خانواده با آن مسئله سازگار شدند و دختر را به خانه بردند. خوشبختانه مسئله‌ای پیش نیامد». او ادامه می‌دهد: «یک مورد دیگر در سال ۱۳۹۸ بود. زنی را به‌زور به پیرمردی شوهر داده بودند و او با شخص دیگری رابطه داشت. برادرانش او را تهدید به قتل کرده بودند و بهزیستی تا مدتی از او نگهداری کرد. درنهایت پدر آن زن به بهزیستی آمد و تعهد داد که از جان دخترش محافظت کند. زن به پدرش اعتماد کرد و نزد او رفت؛ ولی برادران او متأسفانه قتل ناموسی را انجام دادند و از مواردی بود که نشد از وقوعش جلوگیری کنیم. زن در زمان مرگش دو بچه داشت و تقریبا ۲۵ یا ۲۶ساله بود».

هزارو ۲۰۰ قتل ناموسی در کل ایران در ۲۰ سال گذشته؟

پروین ذبیحی، فعال حوزه زنان در مریوان کردستان که مدت‌هاست روی قتل‌های به بهانه ناموس کار می‌کند، او به «شرق» از تغییر نگرش زنان کردستان می‌گوید؛ زنانی که به گفته ذبیحی، دیگر نمی‌خواهند مثل گذشته زندگی کنند. او می‌گوید آمار رسمی دراین‌باره اعلام نمی‌شود؛ اما طبق رصد او و دیگر فعالان همراه او، هزارو ۲۰۰ مورد زن‌کشی با انگیزه‌های ناموسی در کل ایران در ۲۰ سال گذشته اتفاق افتاده است: «این قتل‌ها در کردستان، ایلام، تهران، آذربایجان غربی و سایر شهرها هم وجود دارد؛ ولی به این دلیل افکار متوجه کردستان شده است که زن‌ها دیگر نمی‌خواهند مثل گذشته زندگی کنند، خیلی از آنها تمام حق و حقوق خودشان را می‌خواهند. آنها از گلاله شیخی یاد گرفتند که یکی از شروط ضمن عقد برای همسرش این بود که بتواند کار کند؛ ولی در دوران نامزدی همسرش به او می‌گوید که نباید کار کنی و گلاله که خودش حقوق می‌خوانده، اصرار می‌کند و درنهایت نامزدش او را کشت و سوزاند. ما دیگر زنی داریم که می‌خواهد شرایط خودش را تغییر دهد و سر همین تلاش و مبارزه‌ای که برای به‌دست‌آوردن حقش می‌کند، کشته می‌شود». او ادامه می‌دهد «در سال ۷۹ و ۸۰ دو قتل ناموسی در مریوان داشتیم. یکی فرشته نجاتی و دیگری شهین نصراللهی. فرشته نجاتی ازدواج کرده بود؛ ولی چند سال بعد به خانه پدری بازگشت. نامادری او به او اتهام رابطه خارج از ازدواج زد و پدر با کمک عمو سر او را برید. شاکی این پرونده بچه‌ها بودند؛ ولی در نهایت رضایت دادند و پدرشان بعد از شش ماه آزاد شد. شهین نصراللهی رضایت نمی‌داد شوهرش با زن دوم ازدواج کند. همسر او به‌دلایلی برای او توطئه کرد و در خانه پدری با اسلحه برادرش کشته شد. در دهه ۸۰ هم در یکی از روزها ساعت ۸ صبح به من خبر رسید یک زن را کشته و جنازه‌اش را به بیمارستان برده‌اند. او را در سن نوجوانی به‌زور به عقد مردی درآورده بودند و بعد آن زن با یک مرد فرار کرد؛ اما برادرهایش او را پیدا کردند و کشتند. وقتی سر جنازه‌اش رفتم دو تا گیس بافته سیاه دیدم با جنازه‌ای که انگار به خواب رفته بود. من بعد از آن دیگر نتوانستم سر هیچ جنازه‌ای بروم».

کشتمش! راحت شدید؟

«قانون را مردان نوشته‌اند و فرهنگ ساخته و پرداخته جامعه طبقاتی و مردسالار است». پروین ذبیحی این را می‌گوید و معتقد است فرهنگ رایج و آموزش نادرست دست‌به‌دست هم داده و قتل‌های ناموسی را رقم می‌زند «در خوزستان پدری بود که وقتی متوجه می‌شود دخترش با یک مرد رابطه دارد، سر او را برید و بر نیزه گذاشت و در شهر گرداند. یک مورد قتل هم در دهه ۸۰ داشتیم که زن بعد از دو سال طلاق با مردی فرار کرد. بعد از یک هفته با وعده و وعید او را به خانه کشاندند و گفتند عقدت می‌کنیم و به محض اینکه به خانه رسید او را کشتند و پدرش به زندان رفت. مردم روستا وقتی پدر این زن را می‌دیدند، روی زمین تف می‌کردند و می‌گفتند که بی‌غیرت و بی‌شرف است. او هم دخترش را فریب داد تا به خانه برگردد و بعد او را کشت و او را جلوی پای مردم پرت کرد و گفت: «کشتمش! راحت شدید؟». این دقیقا همان فشاری است که جامعه می‌آورد؛ یعنی جامعه از این قضیه قهرمان می‌خواهد، قهرمانی که ناموسش را حفظ کرده است. وقتی در اروپا فاطمه شاهین‌دار، دختر ترکیه‌ای به جرم اینکه دوست پسر داشت در سوئد به دست پدرش کشته می‌شود، در آخرین لحظه چند بار تکرار می‌کند «پدر بیچاره من». او دلش برای پدرش که قربانی آن فرهنگ، آموزش، آداب‌ورسوم و قوانین زن‌ستیز است، می‌سوزد. ذبیحی ازدواج کودکان را هم در وقوع این قتل‌ها مؤثر می‌داند: «کودکی که ۱۲ یا ۱۳ساله است و به خانه شوهر می‌رود، بعد از چند سال می‌بیند چه ظلمی در حق او کرده‌اند و برای همین او علیه زندگی شورش می‌کند و کشته می‌شود».

لایحه رومینا؛ اصلاح قوانین مربوط به زنان در اولویت نیست

براساس ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی، «درصورتی‌که پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه و تعزیر محکوم خواهد شد». در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی هم آمده است: «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد، می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و درصورتی‌که زن مکره (ناراضی) باشد، فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح نیز مانند قتل است». بعد از کشته‌شدن رومینا اشرفی به دست پدرش بود که معاونت زنان و خانواده ریاست‌جمهوری در دولت دوازدهم، برای اصلاح این دو ماده وارد عمل شد و لایحه‌ای تنظیم کرد به نام «اصلاح ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی شامل تشدید مجازات پدر در صورت قتل فرزند» که به لایحه «رومینا» معروف شد. این لایحه بعد از مدتی معطلی در کمیسیون لوایح دولت، بالاخره به مجلس فرستاده شد و البته همچنان خبری از در دستور کار قرارگرفتن آن نیست. اشرف گرامی‌زادگان، مشاور حقوقی و پارلمانی معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری در زمان معاونت معصومه ابتکار، از چرایی و چگونگی تنظیم این لایحه به «شرق» می‌گوید «وقتی اعلام شد رومینا اشرفی به دست پدر به‌طور فجیعی به قتل رسید، من مسئولیت بخش حقوقی معاونت امور زنان و خانواده را داشتم. شخصا تماس‌های مکرر و نامه‌های اعتراضی دراین‌باره را شاهد بودم. حقوق‌دانان و وکلا و فعالان حقوق زنان به اصلاح قانون اشاره داشتند. حال آنکه قانون مجازات اسلامی قصاص و مجازات شدید پدر را نفی می‌کرد؛ اما موضوع حساس بود و بسیاری مجازات سنگین برای پدر را جایز نمی‌دانستند. از همان آغاز تصمیم بر این شد که با متخصصان دانشگاهی و افراد آگاه به مسائل فقهی مشورت شود. لایحه نوشته و به کمیسیون لوایح دولت ارائه شد. یکی از پیشنهادها این بود که نظر به وجود مجازات، قوه قضائیه حتما باید اعلام نظر کند؛ بنابراین با معاونت حقوقی قوه قضائیه نشست گذاشتیم و صحبت کردیم. با طرح قصاص پدر به دلایل فقهی مخالفت شد؛ ولی درمورد تشدید مجازات و حتی برخی تشدیدهای دیگر توافق حاصل شد. لایحه الحاق یک تبصره به ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی در هیئت دولت تصویب و در تاریخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۸ به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است. در متن لایحه پیشنهادی مجازات پدر تشدید و با هدف بازدارندگی، برخی از حقوق پدر نیز مورد بازنگری قرار گرفته است؛ چون احتمال تغییر در لایحه توسط مجلس وجود دارد باید صبر کرد و دید از آن لایحه چه متنی مصوب می‌شود». او در اولویت نبودن اصلاح قوانین مربوط به زنان و کودکان را یکی از دلایل عقب‌افتادن لوایح می‌داند «کاهش توجه به موارد پیشنهادی اصلاح قوانین مربوط به زنان و کودکان، دیدگاه‌های متفاوت و گاه مخالف که مانع تسریع در امورند و در اولویت نبودن اصلاحات قانونی مربوط به زنان و موارد مشابه وجود دارد. مسئولان و قانون‌گذاران اولویت را به گونه‌ای دیگر تعریف می‌کنند. با یک ساختار معاونت امور زنان و خانواده و نیروی انسانی کم، امکان فراهم‌کردن مطالبات و خواسته‌های زنان در کشور میسر نمی‌شود. این یک واقعیت تلخ است. هر وزارت یا هر استانداری یک بخش زنان دارد. همه جزیره‌ای عمل می‌کنند و هیچ فردی هم پاسخ‌گو نیست».

خبر

جزئیات طرح «هوشمندسازی قرنطینه»

● **ایسنا:** دبیر کمیته علمی کشوری کووید۱۹ جزئیات طرح سامانه هوشمند برای محدودیت‌های کرونایی و قرنطینه را توضیح داد. دکتر حمیدرضا جماعتی، درباره جزئیات سامانه هوشمند برای محدودیت‌های کرونایی و قرنطینه گفت: سامانه هوشمند برای محدودیت‌ها و قرنطینه در کمیته علمی کشوری کرونا مورد بحث قرار گرفت و این سامانه به‌صورت پایلوت در سه استان آذربایجان غربی، کردستان و قزوین در حال انجام است و قرار شد نتایج پایلوت را به ما ارائه دهند تا ببینیم به چه صورت عمل کردند و اگر نتیجه آن خوب باشد، این سامانه به کل کشور گسترش پیدا می‌کند. وی افزود: در قالب این طرح که در حال پایلوت است، براساس سامانه هوشمندی که طراحی شده، تمام اطلاعات کلیه شهروندان از حمل‌ونقل گرفته تا اصناف و... مشخص شده و براساس واکسیناسیون، علائم احتمالی، تست‌هایی که برای بازبودن اصناف و... انجام می‌شود، قرنطینه‌ها و محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کنند. دبیر کمیته علمی کشوری کرونا افزود: بر این اساس، افرادی که گرفتار و مثبت شدند، پیگیری کرده و در قرنطینه قرار می‌گیرند. در عین حال شرکت‌ها و... به صورت دوره‌ای تست‌هایی را انجام می‌دهند و اطلاعات تست‌ها وارد سامانه شده و بر اساس آنها نتیجه می‌گیرند که درباره یک صنف خاص یا یک بخش چه اقداماتی باید انجام شود. جماعتی با بیان اینکه این کار به نوعی غربالگری هوشمند است، گفت: وقتی هم بر اساس غربالگری مبتلا پیدا شد، فرد قرنطینه شده و مورد بررسی قرار می‌گیرد. او درباره نحوه نظارت بر ای این طرح گفت: معمولا به وسیله استانداری‌ها نظارت بر اجرای آن انجام می‌شود و صنف‌ها، ادارات، حوزه حمل‌ونقل و... در این طرح قرار دارند. در عین حال مجری اصلی این طرح وزارت کشور است و وزارت بهداشت عمدتا از نظر علمی کار را حمایت می‌کند و مجری اصلی وزارت کشور و ریاست‌جمهوری است.

فراخوان جذب امریه ارتباط با جامعه و صنعت در مراکز آموزش عالی کشور

● **شرق:** در راستای پشتیبانی و تقویت فعالیت‌های ارتباط با جامعه و صنعت دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور فراخوان جذب پرسنل امریه ارتباط با جامعه و صنعت از روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۰۱ آغاز خواهد شد. براساس این فراخوان، دانش‌آموختگانی که تمایل به گذراندن دوره سربازی خود در قالب نیروی امریه در مراکز آموزش عالی را دارند، با داشتن برگه اعزام با تاریخ ۱۴۰۰/۰۸/۰۱ می‌توانند با مراجعه به سامانه امریه‌های ارتباط با جامعه و صنعت، به نشانی amriye.msrt.ir نسبت‌به ثبت‌نام و بارگذاری مدارک اعلام‌شده در این سایت اقدام کنند تا درخواست این دانش‌آموختگان براساس دارابودن صلاحیت‌های عمومی جذب، بررسی و نتایج اعلام شود.

خطر گسترش کرونا با بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها

● **ایلنا:** رئیس مرکز تحقیقات ویروس‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی گفت: دلتا واریانتی است که سرایت